

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و الصلوة و السلام على خير

خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعين اما بعد:

در طول تاريخ فرقه های مختلفي بر عليه اسلام و مسلمين بوجود آمده و توانسته اند چند صباحی ایده هایشان را بر مردم تحمیل کنند ولی با گذر زمان پوچی آنها ظاهر گشته و بتدریج از بین رفته اند.

امروز هم در دنیای اسلام بحث وهابیت مطرح است. نامی جدید اما تفکری مانده و تاریخ گذشته، که کارشان فقط تکفیر مسلمین و نسبت دادن اعمال آنها به شرک و بدعت بوده و هدفشان نابودی مذاهب و دور کردن مسلمین از مراجع و قطع ارتباط با عصر سعادت می باشد. در این برهه از زمان، لزوم شناخت دشمن و دفاع در برابر آنان امری است ضروری؛ پس بیائید وهابیت را بشناسیم و در مقابل آنها مسلح به علم و عقیده ی اهل سنت شویم.

این مجموعه شامل پنجاه سؤال و جواب در مورد وهابیت بوده و شما عزیزان را در بهتر شناختن دشمن خود یاریتان خواهد نمود. ان شاء الله تعالی.

ستاد برگزاری مراسم مولد النبی صلی الله علیه و سلم روستای عرفان آباد

تابستان/۱۳۹۱

۱- مؤسس فرقه ی وهّابیت کیست؟

جواب: محمد بن عبدالوّهّاب.

۲- فرقه ی وهّابیت در چه تاریخی به وجود آمد؟

جواب: در سال ۱۱۴۳ هجری قمری محمد بن عبدالوّهّاب با پشتیبانی

محمد بن سعود امیر شهر درعیه و با حمایت های دولت انگلیس این مرام را در جزیره العرب راه اندازی کردند.

۳- وهّابیت از کدام سرزمین پیدا شد؟

جواب: وهّابیت از سرزمین مُسَیْلَمَة الكَذّاب از مدّعیان دروغین نبوت،

یعنی نجد پیدا شد.

۴- اولین بار نام وهّابیت را به این فرقه چه کسانی گفته اند؟

جواب: اولین بار این نام را مسلمانان به آنها گفته اند.

۵- چرا به این فرقه وهّابیه گفته اند؟

جواب: عربها عادت دارند هر شخص را با کنیه اش خطاب کنند. ابن

عبدالوّهّاب هم کنیه ی محمد مؤسس این فرقه است. در اصل مرام ابن

عبدالوّهّابی بوده بعدها جهت تخفیف مرام وهّابی گفته شد.

۶- آیا وهّابیت یک مذهب اجتهادی است؟

جواب: خیر، وهابیت یک مذهب اجتهادی الهی نیست بلکه یک مرام و مسلک بدعی سیاسی است که با دسیسه های انگلیس جهت تضعیف شوکت دین اسلام و شکستن اتحاد مسلمین و از هم پاشیدن جماعت آنان، توسط فردی لاًبالی بنام محمد بن عبدالوهاب نجدی پایه ریزی شد.

۷- آیا اقتداء کردن به فرد وهابی در نماز جایز است؟

جواب: خیر. پشت سر وهابی و هر مبتدعی خواندن نماز مکروه است، هرگاه بدعت او به حد کُفر نرسد. اما اگر بدعت او به حد کُفر برسد اقتداء جائز نخواهد بود.

۸- جاسوس انگلیسی که محمد بن عبدالوهاب را تربیت نمود چه نام دارد؟

جواب: همفر.

۹- وهابیها خودشان را چه می نامند؟

جواب: آنها خودشان را سَلَفِیّه می نامند. یعنی کسانی که پیرو سَلَف صالح هستند. وهابیها در گمراه کردن مردم این نام را یدک میکشند.

۱۰- آیا حدیثی هست که پیامبر صلی الله علیه و سلم از پیدایش فرقه وهابیت خبر داده باشد؟

جواب: بله حدیث «شاخ شیطان». هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ وَبِهَا
يَطْلُعُ قَرْنُ الشَّيْطَانِ آنجا یعنی در نجد شدائد و سختیها و فتنه ها رخ
می دهد و از آنجا شاخ شیطان بیرون خواهد آمد.

۱۱- سلیمان تمیمی جدّ محمد بن عبدالوہّاب چه خواب هولناکی
دیده بود؟ و معبرین خواب ایشان را چگونه تعبیر کرده اند؟

جواب: خواب دیده بود که از پشتش آتشی بیرون می آید و همه ی
دنیا را به آتش میکشد. و تعبیر معبرین آن بود که از نسل تو فردی به دنیا
خواهد آمد و دنیا را به فساد و تباهی میکشد. اشاره ای بود به دنیا
آمدن محمد بن عبدالوہّاب و پیدایش فرقه ی وهّابیت.

۱۲- محمد بن عبدالوہّاب در چه سالی و در چه شهری به دنیا
آمد؟

جواب: در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در شهر عُیَیْنَه از شهرهای نجد
به دنیا آمد.

۱۳- آیا عبدالوہّاب پدر محمد از عقیده ی انحرافی پسرش راضی
بود؟

جواب: خیر، عبدالوہاب خیلی تلاش کرد کہ پسرش را از انحراف عقیدہ بیرون بیاورد، ولی محمد گوشش بدهکار نبود و ہمیشہ با پدرش در جنگ و جدال بود.

۱۴- عبدالوہاب پدر محمد در کدام مذهب بود؟

جواب: در مذهب حنبلی بود.

۱۵- وزارت مستعمرات بریطانیا، در چه سالی ۹ جاسوس خبرہ ی خود را کہ مستر همفر هم در بین آنها بود بہ ممالک اسلامی گسیل داشت؟

جواب: در سال ۱۷۱۰ میلادی.

۱۶- مأموریت مستر همفر در عراق چه بود؟

جواب: همفر با دو مأموریت وارد عراق شد.

۱- شوراندن مردم علیہ امپراطوری عثمانی.

۲- زمینہ سازی ایجاد یک مذهب جدید بر علیہ مسلمانان.

۱۷- همفر بعد از پیدا کردن محمد بن عبدالوہاب جهت پیادہ کردن

مأموریت دوّم خود، مجدداً از وزارت مستعمرات بریطانیا چه

دستورہایی را کسب نمود؟

جواب: از وزارت مستعمرات، دستور ۶ مادہ ای بشرح ذیل آمد:

- ۱- کسانی که مذهب ابداعی محمد بن عبدالوهاب را قبول نمیکنند مشرک دانسته و بر علیه آنها فتوای جهاد اعلام شود.
- ۲- تخریب خانه ی خدا به بهانه ی از بین بردن آثار بت پرستی.
- ۳- شوراندن اعراب علیه حکومت عثمانی.
- ۴- تخریب ضرائح اولیاء، حتی در شهرهای مکه و مدینه.
- ۵- ایجاد اغتشاش و فتنه در ممالک اسلامی.
- ۶- تحریف قرآن.

۱۸- آیا محمد بن عبدالوهاب این ۶ ماده را قبول کرد؟

جواب: محمد بن عبدالوهاب بغیر از تخریب بیت الله و تحریف قرآن بقیه را قبول کرد.

۱۹- اولین امیر وهابیهها که بود؟ و چند سال امارت کرد؟

جواب: اولین امیر وهابیهها محمد بن سعود بود. از سال ۱۱۵۸ تا سال ۱۱۷۸ هجری قمری بعنوان امیر وهابیهها امارت را بعهده داشت. بعد از آن پسر بزرگش عبدالعزیز جانشین او شد.

۲۰- جمله ی « بَدَا هَلَاكُ الْخَبِيْثِ » چه جمله ای است و معنی آن چیست؟

جواب: علمای اسلام بعد از مرگ محمد بن عبدالوهاب این جمله را ساختند. مجموع حروف این جمله از حساب ابجد ۱۲۰۶ میشود که

نشانگر تاریخ مرگ محمد بن عبدالوهاب است. معنی آن: هلاک شدن خبیث آشکار شد.

۲۱- نام امیر مکه از طرف دولت عثمانی که با وهابیهها ۵۶ بار جنگ کرد چه بود؟

جواب: امیر شریف غالب.

۲۲- قتل عام مسلمانان شهر طائف توسط کدام امیر وهابیهها صورت گرفت؟

جواب: سعود بن عبدالعزيز.

۲۳- در سال ۱۲۲۷ هجری قمری وقتی که لشکر مسلمین وهابیهها را از حرمین شریفین بیرون راندند شیخ عبدالملک قلعی مفتی شهر مکه چه جمله ای را از حساب ابجد صُنْع نمودند که بیانگر آن تاریخ است؟

جواب: جمله ی « قُطِعَ دَابِرُ الْخَوَارِجِ ». یعنی خوارج زمانه (وهابیهها) ریشه کن شد.

۲۴- اولین پادشاه وهابیهها که بود و چند سال حکومت کرد؟

جواب: مَلِک عبدالعزیز بن عبدالرحمن بود. ۶۴ سال حکومت کرد، از سال ۱۳۰۹ الی ۱۳۷۳ هجری قمری.

۲۵- در چه تاریخی مَلِک عبدالعزیز نام حجاز را به « الْمَمْلَکَةُ الْعَرَبِيَّةُ السُّعُودِيَّةُ » تغییر داد؟

جواب: در سال ۱۹۳۲ میلادی مطابق با ۱۳۵۱ هجری قمری.

۲۶- کدام پادشاه سعودی بود که حدیث «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» را اینگونه تفسیر کرد: «أَيُّ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِنْكِلَبَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ؟» یعنی: هرکس از دولت انگلیس شکرگزار نباشد از خداوند شاکر نیست.

جواب: ملک عبدالعزیز در مکه مکرمه سال ۱۳۶۲ قمری در خطبه ای اینگونه از انگلیس قدردانی کرد.

۲۷- ملک عبدالعزیز چند پسر داشت و چه تعداد از آنها به پادشاهی رسیده اند؟

جواب: ۳۶ پسر داشت و از آنها ۵ نفر پادشاه شدند.

۲۸- دومین پادشاه وهابیها که بود؟

جواب: دومین پسر عبدالعزیز، ملک سعود بود.

۲۹- سومین پادشاه وهابیها که بود؟

جواب: سومین پسر عبدالعزیز، ملک فیصل بود.

۳۰- چهارمین پادشاه وهابیها که بود؟

جواب: پنجمین پسر عبدالعزیز، ملک خالد بود.

۳۱- پنجمین پادشاه و هابیه‌ها که بود؟

جواب: دهمین پسر عبدالعزیز، ملک فهد بود.

۳۲- ششمین پادشاه و هابیه‌ها کیست؟

جواب: دوازدهمین پسر عبدالعزیز، ملک عبدالله پادشاه فعلی عربستان است.

۳۳- چرا و هابیه‌های آل سعود عمامه نمی گذارند و مثل زنها چادر بسر می کنند؟

جواب: عمامه گذاشتن از سنتهای رسول معظم اسلام است. در حدیثی آمده است: **الْعِمَامَةُ عَلَى الْقَلَنْسُوءِ فَصَلُّ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْمُشْرِكِينَ الْخ.** یعنی فرق بین ما و کافران عمامه گذاشتن روی قلنسوه است. و هابیه‌ها با اینکارشان میخواهند از سایر مسلمین تمییز پیدا کرده و برای مکتب جدیدشان پوشش جدیدی انتخاب کرده باشند و این خود بدعتی است آشکار.

۳۴- چرا مسلمانان و هابیه‌ها را قبول ندارند و از فرق ضالّه می دانند؟

جواب: چون وهابیت یک مذهب اجتهادی نبوده و صرفاً جهت ایجاد تفرقه بین مسلمین و گمراه کردن آنان بعد از ۱۲۰۰ سال از هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم به دست شیطان بزرگ انگلیس ساخته و پرداخته شده است.

۳۵- آیا ایمان وهابیهها کامل است؟

جواب: خیر ایمان آنها کامل نیست. چون وهابیهها به بعضی از پیامبران ایمان ندارند و اولین پیامبر را حضرت نوح علیه السلام می دانند. پیشوای آنان محمد بن عبدالوهاب کتابی دارد بنام «کشف الشبهات»^۱ در آن کتاب اولین پیامبر را حضرت نوح علیه السلام ذکر کرده و پیامبرانی همچون حضرت آدم و شیث و ادريس عليهم السلام را از درجه پیامبری خارج گردانیده است. در حالیکه اعتقاد اهل حق لا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ است. یعنی میان هیچ یک از فرستادگان او فرق نمی گذاریم. یعنی بعضی را معتقد و بعضی را منکر نمی باشیم.

۳۶- آیا وهابیهها به مذهب و طریقت معتقد هستند؟

^۱ - فَأَوْلَهُمْ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْسَلَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ لَمَّا غَلَوْا فِي الصَّالِحِينَ وَكَأْوَ سَوَاعَاً وَيُعُوْثَ وَيَعُوْقَ وَنَسْرًا وَآخِرُ الرُّسُلِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الَّذِي كَسَّرَ صَوْرَةَ هَوَالِئِ الصَّالِحِينَ.

جواب: خیر آنها منکر همه ی مذاهب اسلامی و طریقت های صوفیگری هستند. یکی از معتبرترین کتاب و هابیهها «حیات القلوب» است. در آن کتاب اینگونه ذکر شده است: هَذِهِ الطُّرُقُ الصُّوفِيَّةُ وَالْمَذَاهِبُ الْفِقْهِيَّةُ يَنْبِذُهَا الْإِسْلَامُ وَلَا يَعْرِفُهَا وَقَدْ بَرَأَ اللَّهُ رَسُولَهُ مِنْهَا كُلَّهَا. یعنی این طریقت های صوفیه و مذاهب فقهیه را اسلام قبول ندارد و نمیشناسد و رهاش میکند. خداوند متعال رسول خود را از همه ی آن طرائق و مذاهب بیزار گردانیده است.

۳۷- آیا پیشوای و هابیهها محمد بن عبدالوهاب، همه ی مسلمانان را مشرک دانسته است؟

جواب: بلی محمد بن عبدالوهاب شرک مسلمانان امروزی را از شرک مشرکین صدر اسلام شدیدتر می داند. محمد بن عبدالوهاب در صفحه ی ۶۴ «كَشْفُ الشُّبُهَاتِ» اینگونه نوشته است: إِنَّ شِرْكََ الْأَوَّلِينَ أَخْفٌ مِنْ شِرْكَِ أَهْلِ وَقْتِنَا. شرک مشرکین صدر اسلام سبکتر است از شرک مسلمانان وقت ما.

۳۸- کدام یک از علماء فرقه ی وهابیت را «حزب الشیطان»^۲

نامیده است؟

جواب: شیخ احمد صاوی مفسر قرآن و صاحب «حاشیه الصاوی علی الجلالین» در جلد سوم صفحه ۳۰۸ این کتاب اینگونه مینویسد: ترجمه مطالب: «آنان یعنی گروه منحرفین فرقه ای هستند در حجاز که به آنها وهابیه گویند. ایشان خودشان را چیزی به حساب می آورند، آگاه باشید آنها دروغگویانند که شیطان بر ایشان غالب گشته و ذکر خدا را فراموش گردانیده است. آنها حزب شیطان هستند آگاه باشید حزب شیطان از زیانکاران است از خداوند کریم می خواهیم که ریشه ی آن گروه را نابود گرداند».

۳۹- کدام عالم، محمد بن عبدالوهاب را از «خوارج» می داند؟

جواب: حضرت علامه حمدالله داجوی در کتاب «البصائر»^۳ محمد بن

عبدالوهاب را از خوارج دانسته است.

^۲ - وَهُمْ فِرْقَةٌ بَارِضِ الْحِجَازِ يُقَالُ لَهُمُ الْوَهَابِيَّةُ يَحْسُبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ آلا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ اسْتَحَوْدَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ. نَسَأَلَ اللَّهُ الْكَرِيمَ أَنْ يَقْطَعَ دَابِرَهُمْ.

^۳ - إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْخَوَارِجِ وَخَرَجَ مِنَ النَّجْدِ وَتَغَلَّبَ عَلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ وَكَانَ يَدْعِي الْخُنْبَلِيَّةَ وَكَانَتْ عَقِيدَتُهُ أَنْ يَنْسِبَ الشُّرُكَ إِلَى مَنْ كَانَ مُخَالَفًا عَنْ عَقِيدَتِهِ وَ يُبِيحُ قَتْلَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ وَ يُبِيحُ أَكْلَ أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفَكَ دِمَائِهِمْ.

۴۰- کدام علامه، محمد بن عبدالوہاب را «صاحب فتاوی باطله» نامیده است؟

جواب: حضرت مولانا عبدالحی لکنوی در «عمدة الرعاية^۴» محمد بن عبدالوہاب را صاحب فتاوی باطله نامیده است.

۴۱- نام چند تن از عالمان مشهور اسلامی را ذکر کنید که وهابیت را محکوم کرده باشند؟

جواب: ۱- تقی الدین السبکی. ۲- علامه عبدالغنی نابلسی.

۳- شیخ یوسف النبهانی. ۴- علامه حمدالله داجوی.

۵- احمد بن زینی دحلان. ۶- ابن حجر هیتمی.

۷- داود افندی النقشبندی الخالدي. ۸- مصطفى ابو یوسف

الحمامی

۹- شیخ عطاء المکی. ۱۰- سید محمد بن علوی.

۴۲- آیا می توانید تعدادی از کتابهاییکه وهابیت را محکوم میکنند نام ببرید؟

جواب: در رد عقیده ی وهابیت، کتابهای بیشماری نوشته شده است.

در «میزان الاعتدال» نام ۸۴ کتاب را ذکر کرده که همگی در ردّ مرام وهابیت بوده است. بطور نمونه نام چندتا را ذکر میکنیم.

^۴- أنتَ وَهَابِي أَي مَسُوبٌ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ النَّجْدِيِّ صَاحِبِ الْفَتَاوَى الرَّائِعَةِ.

- ۱- تَطْهِيرُ الْفُؤَادِ مِنْ دَنْسِ الْإِعْتِقَادِ. ۲- شِفَاءُ السَّقَامِ فِي زِيَارَةِ خَيْرِ الْأَنَامِ.
 ۳- الْمَنْحَةُ الْوَهَّابِيَّةُ فِي رَدِّ الْوَهَّابِيَّةِ. ۴- الدُّرَرُ السَّنِيَّةُ فِي الرَّدِّ عَلَى الْوَهَّابِيَّةِ.
 ۵- التَّوَسُّلُ بِالنَّبِيِّ ص وَجَهْلَةُ الْوَهَّابِيِّينَ. ۶- الْأَصُولُ الْأَرْبَعَةُ فِي تَرْدِيدِ الْوَهَّابِيَّةِ.
 ۷- كَشْفُ النُّورِ عَنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ. ۸- الْبَصَائِرُ لِمَنْكِرَى التَّوَسُّلِ بِأَهْلِ
 المقابر.

۹- كَشْفُ النِّقَابِ عَنْ عَقَائِدِ ابْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ. ۱۰- فِتْنَةُ الْوَهَّابِيَّةِ. إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ. بَرَأى
 تحقيقات بیستر می توانید به کتاب فوق الذکر رجوع نمائید.

۴۳- شیخ سلیمان نجدی، برادر محمد بن عبدالوہاب در ردّ وہابیت
 چه کتابہائی نوشته است؟

- جواب: ۱- الْأَصْوَاتُ الْإِلَهِيَّةُ فِي تَرْدِيدِ الْوَهَّابِيَّةِ.
 ۲- فَصْلُ الْخِطَابِ فِي الرَّدِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ.

۴۴- در ترکمان صحراء چه کتابہائی در ردّ وہابیت نگارش شدہ
 است؟

جواب:

۱- فتح الرحمن في الاجوبة عن شبهات ملا سلطان. تأليف: شيخ عبدالقادر
 آخوند داغستاني.

۲- لزوم الاقتصاد في العمل والاعتقاد. تأليف: عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا.

۳- تاريخچه وهابيت. تأليف: عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا.

۴- میزان الاعتدال فی بیان الحق والضلال. تألیف: عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا.

۵- هداية الخلق الى سبيل الحق. تألیف: عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا.

۶- تنبيه النبلاء من تلبیس الحمقاء. تألیف: عبدالرحمن آخوند محمدی.

۷- حقیقة الوسيلة و ماهية الوثنية. تألیف: احمد آخوند قربانپور

۸- فتاوی الفقهاء حصون الناس من حملات خطیب بندرعباس. تألیف: نورمحمد آخوند طلائی.

۴۵- آیا توسّل و استغاثه از انبیاء و صالحین بعد از وفاتشان جایز است؟

جواب: بله بعد از وفات انبیاء و صالحین توسّل و استغاثه از آنها جایز است؛ زیرا معجزه و کرامت با مرگ آنان منقطع نمی شود.^۵ شاه ولی الله در لمعات می گوید: حضرت شیخ عبدالقادر در قبر خود تصرف می کنند مثل احیائی. جلال الدین رومی در مثنوی مینویسد:

هرکه را رفتار افلاکش بود بر زمین رفتن چه دشوارش بود.

۴۶- آیا پیامبران و اولیاء در قبورشان زنده اند؟

^۵ - وفي البريقة شرح الطريقة المحمدية يجوز التوسل والاستغاثة بالانبياء والصالحين بعد موتهم، لان المعجزة و الكرامة لاتنقطعان بالموت. (الفجر الصادق في الرد على منكري التوسل والكرامات والخوارق. صفحہ ۷۰)

جواب: حیات انبیاء و اولیاء با کتاب^۶ و سنت^۷ و اجماع ثابت است. اجساد انبیاء و اولیاء و شهداء و علماء فاسد نمی شوند بلکه حیات حقیقی دارند. انبیاء و شهداء در قبورشان می خورند، مینوشند، نماز می خوانند، روزه می گیرند و حج می کنند. در تفسیر مظهری آمده است: خداوند متعال به ارواح آنان قدرت اجساد را می دهد آنها به هر جایی از زمین و آسمان و بهشت بخواهند می توانند بروند، به دوستانشان کمک کنند و دشمنانشان را هلاک نمایند. شیخ المحدثین شاه عبدالحق / می گوید: حیات انبیاء متفق علیه است هیچ کس را در آن خلاف نیست حیاتی جسمانی، دنیاوی و حقیقی نه حیات معنوی روحانی.

۴۷- آیا اثبات علم غیب برای انبیاء و اولیاء جایز است؟

جواب: علم غیب بر دو نوع است.

۱- علم غیب ذاتی.

۲- علم غیب عطائی.

^۶ - سوره های انبیاء ۱۰۷ - بقره ۱۵۴ آل عمران ۱۶۹ / ۱۷۰

^۷ - علمی بعد وفاتی کعلمی فی حیاتی. - الانبیاء احياء فی قبورهم يصلون. اکثروا الصلاة علیّ يوم الجمعة فانه مشهود تشهده الملائكة وان احدا لن يصلي علیّ الا عرضت علیّ صلته حتى يفرغ منها. و بعد الموت ان الله حرم علی الارض ان تأكل اجساد الانبياء فنبیّ الله حی برزق. (ابن ماجه)

علم غیب ذاتی، خاصِ خدواند متعال بوده و علم غیب عطائی برای انبیاء و اولیاء ثابت است. چنانکه خداوند متعال در چند جای قرآن مجید می فرماید:^۸ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ. آل عمران ۴۴. علم غیب نبی، کلی است نسبت به علم مخلوق. و جزئی است، نسبت به علم خداوند متعال. چون پیامبر صلی الله علیه و سلم علم لوح المحفوظ را دانست و در لوح المحفوظ کل شیء بود تا قیام قیامت، یعنی علم ماکان و علم مایکون (هر آن چیزی که بود و تا قیامت خواهد شد). چنانکه صاحب برده می گوید: ومن علومک علم اللوح والقلم. یعنی علم تو (خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم) علم لوح و قلم را دربر می گیرد.

۴۸- وهابی چند نوع است؟

جواب: ۳ نوع وهابی است.

۱- وهابی جلیّ

۲- وهابی خفیّ

۳- وهابی غبیّ.

^۸ - ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک. (یوسف ۱۰۲) - تلک من انباء الغیب نوحیها الیک. (هود ۴۹) - وما کان الله لیطلعکم علی الغیب و لکن الله یتجسّی من رسله من یشاء. (آل عمران ۱۷۹) - وعلمک ما لم تکن تعلم و کان فضل الله علیک عظیما. (النساء ۱۱۳) ولما بلغ اشدّه آتیناه حکما و علما. (یوسف ۲۲) فوجدا عبدا من عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علما. (الکھف ۶۵) - ولوطا آتیناه حکما و علما. (الانبیاء ۷۴) ففهمناها سلیمان و کلا آتینا حکما و علما. (الانبیاء ۷۹ - النمل ۱۵ - القصص ۱۴ - النمل ۷۵ الجن ۲۶/۲۷ - التکویر ۲۴).

۴۹- فرق این ۳ نوع وهابی در چیست؟

جواب: وهابی جلیّ عقیده ی خود را از هیچ کسی پنهان نکرده و آشکارا وهابیگری را تبلیغ میکند، مانند وهابیهای کشور عربستان سعودی.

وهابی خفیّ مانند منافقین ظاهرشان با باطنشان مغایرت دارد. در ظاهر، مذهبی و طریقتی، ولی در باطن وهابی است.

وهابی غبیّ کسی است که از فرط جهل در دام وهابیت گرفتار شده و نمی تواند مذهب خود را از وهابیت تمییز دهد. ادّعی او سنیّ اما اعتقاد و عملش وهابی است.

۵۰- ساده ترین راه برای شناختن فرد وهابی چیست؟ آیا علامت خاصی دارد؟

جواب: شخص وهابی چندین علامت مشخص دارد.

- ۱- فرد وهابی از توحید حرف می زند و خودش را موحد نشان میدهد و مردم را به توحید دعوت می کند، هدف او مشرک دانستن فرد مقابل است. در فرض بودن توحید هیچ مسلمانی شک ندارد، همه ی مسلمانان موحد هستند و هیچ مسلمانی مشرک نیست و هیچ مشرکی هم مسلمان نیست «ضِدَّانٍ لَا یَجْتَمِعَانِ» یعنی دو چیز مخالف و ناسازگار با یکدیگر جمع نمی شود.
- ۲- همه ی مذاهب اسلامی را بدعت می داند.

- ۳- منکر طریقت بوده و همه ی طرائق صوفیه را خرافات می داند.
- ۴- استمداد از غیر خدا را شرک می داند.
- ۵- زیارت قبور را نهی می کند.
- ۶- امر به ترک سنت های نماز می کند در سفر و حضر.
- ۷- اوراد و تلاوت قرآن و دعاء بعد از نماز پنجگانه را بدعت میداند.
- ۸- اعلان دوم نماز (قامت قامت) را ناجایز می داند.
- ۹- خواندن رواتب جمعه و احتیاط الظهر را نادرست می داند.
- ۱۰- توسّل به انبیاء و اولیاء و بستن دعاء و تعاویذ را شرک می داند.
- ۱۱- بعد از خوردن غذا، دعاء کردن و قرآن خواندن را بدعت میداند.
- ۱۲- دادن صدقات و پختن طعام پشت سر مُرده و خوردن از آن را نهی می کند.
- ۱۳- دَور و إسقاط را فریب دادن خداوند می داند.
- ۱۴- تبرّک کردن لباس و دیگر اسباب اولیاء و صلحاء را ناجایز دانسته و بدعت می پندارد.
- ۱۵- منکر سماع مُرده ها هستند.
- ۱۶- نذر و قربانی کردن سر قبر اولیاء، و خوردن از گوشت آن را حرام می داند.
- ۱۷- گرفتن جشن تولد پیامبر عظیم الشان و مولد خوانی را بدعت می داند.

۱۸- ختم خواجگان و ذکرهائی که در مساجد برگزار می شود همه ی آنها را بدعت می داند.

۱۹- نمازهای نافله ی شب قدر، شب براءت، شب رغائب را نادرست می داند.